



پیامدهای بازاندیشی در مفهوم نخبگی

غلامعلی منتظر^{۱*}، امیر ناظمی^۲، محسن موسوی نسب^۳

۱- دانشیار مهندسی فناوری اطلاعات، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه تربیت مدرس

۲- استادیار گروه آینده‌اندیشی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

۳- پژوهشگر ارشد اندیشگاه آتی‌نگار

چکیده

در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از نهادها و سازکارها با موضوع نخبگی و نخبگان ارتباط و تعامل دارند، که در مجموع شکل‌دهنده یک نظام نخبگانی هستند. نظام نخبگانی در مجموع لازم است تا برخوردار از کارکردهای (۱) شناسایی، (۲) جذب، (۳) هدایت، اعم بر آموزش و پرورش، (۴) به‌کارگیری، (۵) حمایت، (۶) تکریم، (۷) الگوسازی و (۸) نگهداشت باشد. هر یک از کارکردها بر اساس فهم و ادراکی از مفهوم نخبگی و نخبه در سطح جامعه عملیاتی می‌شود. پس این درک عمومی از مفاهیم است که نهادها، ارتباطات میان آنها و ماموریت‌های آنان را شکل می‌دهد. اما رشد و توسعه فهم مبتنی بر مطالعات و تجربیات، بازنگری در این مفاهیم بنیادی را ضروری می‌سازد. در این مقاله بر پایه یک تحلیل سیستمی به بازاندیشی در مفهوم نخبه و نخبگی اقدام شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که اصلی‌ترین مشکل در رویکردهای مربوط به نظام نخبگانی، ناشی از فهم متداول از واژه نخبه است، که عمدتاً مبتنی بر تیزهوشی و نهایتاً استعداد درخشان استوار شده است و به سایر جنبه‌های نخبگی یعنی خبرگی و کنشگری اجتماعی توجهی نشده است.

کلیدواژه‌ها: نظام نخبگانی، نخبه، شناسایی، جذب، هدایت، آموزش و پرورش، به‌کارگیری، حمایت، الگوسازی، نگهداشت

۱- مقدمه

چرا که از کودکی، نخبگان را گروهی متمایز و برخوردار از توانمندی‌های بالاتر از خود برشمرده است. به همین ترتیب نظام سیاسی و نظام اقتصادی نیز بخش‌های دیگری از یک تصویر کلان و سازگار را خلق می‌کنند که در نهایت نظام نخبگانی آن جامعه را شکل می‌دهد.

نظام نخبگانی چون هر «ساخت اجتماعی»^۲ دیگری اگرچه در گذر زمان بقاء یافته است، به واسطه تغییرات زمانی و مفهومی تغییر می‌یابد. از سویی دیگر هر «ساخت اجتماعی» نه تنها از برآمده از مجموعه رفتارها و کنش‌های اجتماعی است، بلکه بر سایر رفتارها و کنش‌های اجتماعی تاثیرگذار است. ساخت‌های اجتماعی منجر به ایجاد سلسله مراتب اجتماعی و یک نظام عدم‌تساوی در جوامع می‌گردد: نوعی از عدم‌تساوی

چنانچه نظام نخبگانی را کلان‌نظامی^۱ از نظام اجتماعی، نظام آموزشی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی مبتنی بر نخبگان بدانیم، آن‌گاه می‌توان ادعا کرد که نظام نخبگانی در هر جامعه‌ای از یک سازگاری درونی برخوردار است. به‌عنوان نمونه در جامعه‌ای که در آن نظام آموزشی نخبگانی؛ استعدادهای درخشان و تیزهوش از سایرین جدا می‌کند و در مدارس جداگانه‌ای برای تحصیل می‌فرستد؛ نظام آموزشی ایجادکننده یک نظام اجتماعی نخبگانی خواهد بود، که طبقه نخبگان خود را متمایز از توده می‌داند و جایگاهی فراتر را برای خود قائل است و جامعه نیز این نابرابری را می‌پذیرد،

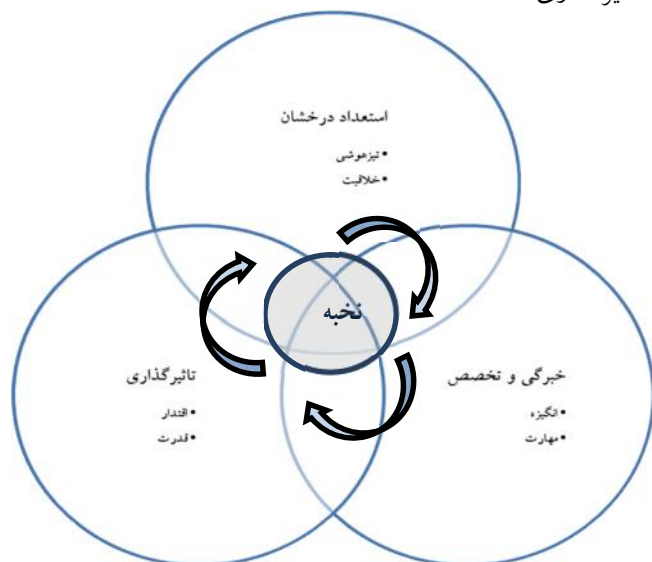
* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: montazer@modares.ac.ir

1- Mega-System

2- Social Structure

پیامدهای بازانديشی در مفهوم نخبگی

در این مقاله نخبه جایگزین مفاهیم متفاوتی می‌شود که عبارتند از: (۱) تیزهوش و استعداد درخشان، (۲) متخصص و خبره. (۳) کنش‌گر و نخبه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فناورانه. همان‌گونه که در شکل ۱ نیز مشخص است، نخبه دربردارنده سه مفهوم پایه‌ای استعداد درخشان، خبرگی و تاثیرگذاری است.



شکل (۱) چارچوب مفهومی نخبه در این مقاله

بر این اساس نخبه کسی است که از هر سه ویژگی مورد اشاره برخوردار باشد؛ ولی شاید مناسب‌تر باشد تا افرادی که دارای استعداد درخشان یا خبرگی و تخصص در یک زمینه خاص باشند، افراد در مسیر نخبگی نامیده می‌شوند. به این ترتیب نخبه کسی است که توانمندی بالقوه او که استعداد درخشان بوده است در مسیر کسب خبرگی تبدیل به توانمندی بالفعل شده است که قدرت تاثیرگذاری و کنشگری را برای وی فراهم کرده است. بر این اساس افراد در مسیر نخبگی از استعداد برتر برخوردار هستند، هر چند هنوز به صورت یک توانمندی تاثیرگذاری بالفعل درنیامده باشد.

که عمدتاً مشروعیت لازم را برای پذیرش دارد و به مثابه یک امر غیرعادلانه تلقی نمی‌شود. هرچند این تغییرات به صورت طبیعی و توسط جامعه انجام می‌گیرد، اما بازانديشی آن منجر به هم‌گامی میان نهادها و سیاست‌ها با ادراک عمومی می‌شود و سرعت تطابق با تغییرات را فراهم می‌سازد.

مفهوم «بازتولید» به همین دوگانگی حفظ ساختار و تغییرات اندک در آن اشاره دارد. بازانديشی در مفاهیم نخستین مرحله از فرآیند بازتولید است. بازانديشی در خصوص مفهوم نخبگی نیز بی‌شک یکی از عناصر بازتولیدکننده نظام نخبگانی است. نظام نخبگانی در تمامی عرصه‌ها و شئون‌اش تغییراتی را خواهد داشت.

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن اشاره‌ای کوتاه به مفاهیم نخبگی، مهم‌ترین پیامدهایی که مبتنی بر این بازانديشی در نظام نخبگانی قابل تصور است؛ مرور شوند. به این منظور ابتدا به مفهوم نخبه اشاره شده است و سپس کارکردها و وجوه مختلف یک نظام نخبگانی عرضه می‌شوند و سپس آموزه‌های مرتبط با آن کارکرد ارائه می‌شود. آموزه‌هایی که منجر به تغییر ادراک فعلی از مفهوم نخبگی و نظام نخبگانی می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

هر چند واژگان چندگانه‌ای که در یک واژه فارسی به نام نخبه بسته‌بندی می‌شود، تفاوت‌هایی معنایی دارند، اما از ویژگی مشترکی نیز بهره می‌برند. در تمامی این واژه‌ها نوعی از نظام سلسله مراتبی در میان انسان‌ها و تفاوت در توانمندی در میان گروه‌های هم‌رده مشاهده می‌شود. معانی مختلف واژه نخبه با تمرکز بر تفاوت‌های مستتر در آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱) معانی مختلف در واژه نخبه

<p>تعریف «جیکوب ژاویتز»^۱: «کودکان و جوانان با استعدادی که بیانگر یا نشان‌دهنده توانمندی بالقوه‌ای برای انجام فعالیت هستند، به‌گونه‌ای که از هنر یا فضیلتی به مراتب بالاتر، در مقایسه با دیگر افراد هم‌سن، یا هم تجربه یا هم محیط آنها برخوردارند. این کودکان یا جوانان قابلیت عملکرد بالایی در حوزه‌های فکری، خلاقانه، و/یا هنری از خود نشان می‌دهند، توانایی رهبری کردن غیرعادی دارند، یا در حوزه دانشگاهی خاصی پیشرفت می‌کنند. آنها نیازمند خدمات یا فعالیت‌هایی هستند که به طور معمول در مدرسه ارائه نمی‌شود. استعدادهای درخشان در کودکان و جوانان همه گروه‌های فرهنگی، در تمامی طبقات اقتصادی و در تمام حوزه‌های فعالیت انسانی وجود دارد.» [۱].</p> <p>تعریف سه حلقه‌ای ژوزف رنزولی^۲: این تعریف به‌عنوان مدل پایه در اصلاح برنامه‌ریزی آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است. در این تعریف تیزهوشی نقطه همپوشانی سه عنصر مستقل و متمایز زیر در حوزه مشخصی از فعالیت انسانی است: (۱) توانمندی یا هوش بالاتر از متوسط، (۲) تعهد کاری یا انگیزه بالا و خلاقیت.</p>	<p>تیزهوش^۱</p>
<p>گانه‌ی در مدل خود با عنوان مدل افتراقی تیزهوشی و استعداد (DMGT^۳)، تعاریف متمایز زیر را برای تیزهوشی و استعداد درخشان به کار برده است [۲]:</p> <p>«تیزهوشی دارا بودن و استفاده از توانایی‌های طبیعی فوق‌العاده (که استعداد ذاتی یا هوش بالا نیز نامیده می‌شود) در حداقل یک حوزه است به نحوی که توانایی تیزهوش به میزانی است که فرد حداقل در بین ۱۰ درصد بالای هم‌تایان سنی خودش قرار گیرد. در حالی که استعداد درخشان بیان‌کننده تسلط^۴ فوق‌العاده بر توانایی‌هایی است که به‌صورت نظام‌مند توسعه‌یافته‌اند و دانش فرد، در حداقل یک حوزه از فعالیت انسانی به میزانی است که فرد حداقل در بین ۱۰ درصد بالای هم‌تایان سنی‌اش که در همان حوزه فعال هستند، قرار گیرد.»</p>	<p>استعداد درخشان^۴</p>
<p>متخصصان یا خبرگان افرادی هستند که یک دهه در یک حوزه مشخصی فعالیت کرده و جدای از سهم نوآرانه‌ای که داشته‌اند، درجه بالایی از شایستگی را نیز کسب کرده‌اند. چنین فرض می‌شود که بعد از یک دهه، فرد بر مهارت‌ها و دانشی که برای کارایی در بالاترین سطح یک حوزه مورد نیاز است، تسلط می‌یابد. تخصص^۵ شامل استحصال، ذخیره‌سازی و به کارگیری دو نوع از دانش در یک حوزه است: (۱) دانش تصریح^۶ شده در آن حوزه (امور واقعی^۷، ایده‌های اصلی، قوانین و فرمولها) و (۲) دانش ضمنی^۸ در آن حوزه. تخصص یا خبرگی بر خلاف استعداد درخشان یا تیزهوشی، بیشتر ناشی از ویژگی‌های اکتسابی است تا ویژگی‌های ذاتی. تخصص اساساً با (۱) استحصال مهم‌ترین مهارت‌ها و (۲) تسلط بر یک حوزه دانشی مرتبط است [۱].</p>	<p>خبره یا متخصص^۷</p>
<p>«آلن بیرو» در «فرهنگ علوم اجتماعی» مفهوم نخبه و سرآمد را چنین تعریف می‌کند: «سرآمد از ریشه لاتینی <i>Eligere</i> به معنی برگزیدن، گرفته شده است. سرآمد به هر آنچه بهتر از دیگران و شایسته‌گزينش باشد؛ اطلاق می‌شود. از واژه سرآمدان، فرهیخته‌ترین طبقات یک جامعه، آنان که توانمندترین افراد در اداره موثر جامعه باشند، برمی‌آید.»</p> <p>نخبگان اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تاثیری که بر جای می‌گذارند، یا به وسیله تصمیماتشان یا به وسیله ایده‌ها، احساسات یا هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه‌ای موثر واقع می‌شوند. بر این اساس اصلی‌ترین ویژگی نخبگان تاثیرگذاری آنان بر جامعه و کنش‌گری تاریخی است و سایر ویژگی‌های ذکر شده در خصوص نخبگان تنها آماده‌ساز این ویژگی طبقه نخبه است [۳].</p>	<p>تاثیرگذار، کنش‌گر اجتماعی یا نخبه^{۱۲}</p>

- 1- Gifted
- 2- Jacob K. Javits
- 3- Renzulli
- 4- Talent
- 5- Differentiated Model of Giftedness and Talent
- 6- Mastery
- 7- Expert
- 8- Expertise
- 9- Explicit
- 10- Facts
- 11- Implicit or Tacit
- 12- Elitism

۳- روش شناسی

در این تحقیق برای ترسیم پیامدهای بازانديشی مفهوم نخبگی در نظام نخبگانی، روش تحلیل سیستمی^۱، مورد استفاده قرار گرفته است. بر این اساس، نظام نخبگانی به عنوان نظامی از نهادهای به هم پیوسته در نظر گرفته شده؛ که (۱) تیزهوشی و استعداد درخشان، (۲) خبرگی و تخصص و (۳) کنشگری و تاثیرگذاری اجتماعی؛ که منجر به توسعه جامعه و شکل گیری افق های جدید می شوند را رشد داده، به کار می گیرد و بازتولید می کند. به منظور تحلیل سیستمی لازم است تا به جزء توجه شود که عبارتند از: (۱) نهادها، (۲) کارکردها، و (۳) اهداف. نهادها مجموعه ای از عادات معمول، روالها، شیوه های مدون، قواعد یا قوانینی هستند که روابط و تعاملات بین افراد، گروه ها و سازمان ها را تنظیم می کنند. به عبارتی دیگر نهادها، قواعد بازی هستند. منظور از کارکرد^۲ در یک تحلیل نظام مند (سیستمی)، کمک و همکاری یک جزء یا مجموعه ای از اجزا در دستیابی به یک هدف است. به عبارت دیگر کارکرد اصلی هر سیستم تعقیب یا انجام فرایندهای مربوط به آن سیستم است.

از آنجایی که نظام نخبگانی به عنوان نظامی متشکل از عناصر مرتبط با نخبگان یا افراد در مسیر نخبگی، اعم از تیزهوشان، استعدادهای درخشان، خبرگان و متخصصان و نخبگان به عنوان کنشگران تاریخی، در نظر گرفته شده است، لذا به طور کلی فعالیت های نظام نخبگانی کشور در رابطه با امور نخبگان را می توان در موارد ذکر شده در جدول ۲ دسته بندی کرد. دسته بندی کارکردها امکان تفکیک میان کارکردهای متنوع را فراهم می سازد. کارکردهای مورد اشاره در شکل ۲ به تصویر کشیده شده است.

بازانديشی در مفهوم نخبگی دربردارنده مفاهیمی است که تغییراتی را در فهم متداول از کارکردها ایجاد می کند. فهم متداول مبتنی بر اساس ادراک پژوهشگران و صاحب نظران کشور بوده است. در بخش مربوط به یافته های تحقیق در

خصوص هر یک از کارکردها ابتدا فهم متداول و سپس تغییرات ناشی از بازانديشی بیان شده است.

۴- یافته های پژوهش در خصوص بازانديشی در نظام

نخبگانی

در این بخش بر اساس کارکردهای مورد اشاره در بخش روش شناسی به بازانديشی در مفهوم نخبه و نخبگی پرداخته شده است. در خصوص هر یک از کارکردها ابتدا فهم متداول از آن کارکرد بیان شده است، سپس فهم جدیدتر که مبتنی بر بازانديشی بوده است، بیان گردیده است.

۴-۱ کارکرد شناسایی

ادراک غالب در خصوص کارکرد شناسایی، عمدتاً معطوف به نظام آموزشی است. در این ادراک شناسایی به معنای متمایز شدن افراد تیزهوش و استعداد درخشان از سایرین است. این نوع از شناسایی به دنبال خود پیامدهای زیر را نیز به دنبال داشته است:

(۱) جداسازی: شناسایی دانش آموزان تیزهوش و

استعداد درخشان و جداسازی آنان را از نظام

آموزشی متداول

(۲) برجسب زنی^۳: این نوع از شناسایی به صورت

آشکاری به تعدادی از دانش آموزان برجسب

تیزهوش یا استعداد درخشان می بخشد.

مهم ترین جهت گیری های مفهومی در وضعیت فعلی کشور در

کارکرد شناسایی در جدول ۳ ارائه شده است.

در مطالعات انجام شده در حوزه نخبگان مهم ترین مفاهیم

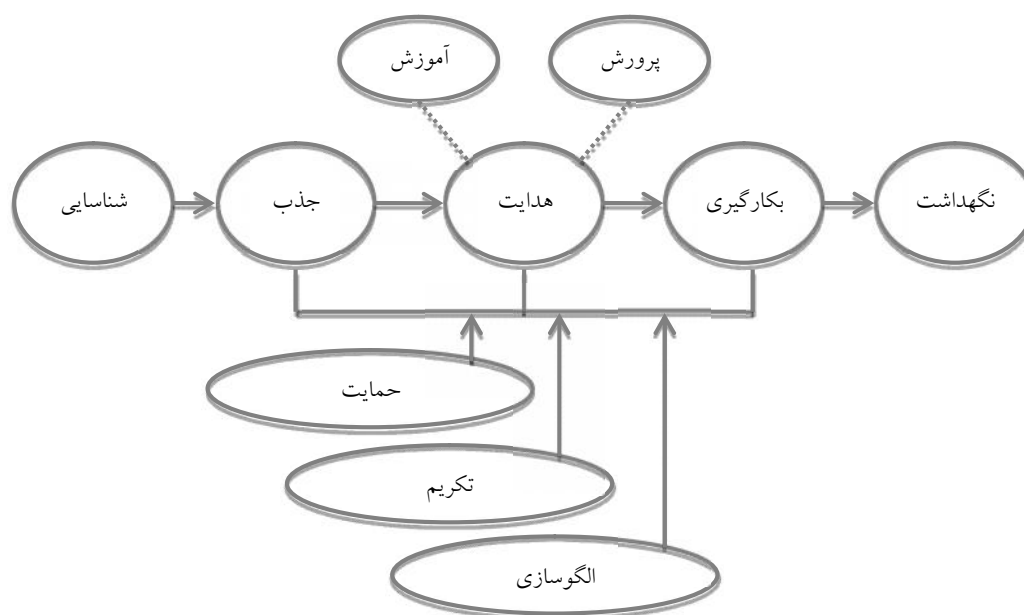
مرتبط با این کارکرد در مطالعات روانشناختی و نظریه های

آموزشی قابل ردیابی است. به این ترتیب اصلی ترین مفاهیم

مرتبط در جدول ۴ مرور شده است.

جدول ۲) کارکردهای نظام نخبگانی

شناسایی	شناسایی نخبگان در سنین، حوزه‌ها و فعالیت‌های مختلف
جذب	جذب نخبگان شناسایی شده به سایر نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و علمی و سازوکارهای تاثیرگذار بر جامعه
هدایت	ایجاد تطابق میان نیازهای کشور و تقاضای جامعه از یک سو و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های نخبگان از سوی دیگر
به‌کارگیری	ایجاد زمینه‌های لازم برای تاثیرگذاری نخبگان در جامعه و حل مسایل و مشکلات جامعه خود مبتنی بر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های نخبگان
حمایت	پشتیبانی و بسترسازی در خصوص تاثیرگذاری نخبگان و توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فردی و نهادی نخبگان و نهادهای نخبگانی
تکریم	گرامی‌داشت نخبگان و پاسداشت تلاش‌ها و تاثیرگذاری‌های آنان در سطح جامعه
الگوسازی	ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش فرهنگ نخبگی و نخبه‌پروری در جامعه
نگهداشت	حفظ تداوم و استمرار تاثیرگذاری نخبگان در جامعه



شکل ۲) زنجیره ارزش نظام نخبگان

جدول ۳) مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مفهومی در وضعیت فعلی کشور در کارکرد شناسایی

در نظام نخبگانی کشور شناسایی تنها معطوف به شناسایی دانش‌آموزان مستعدتر در حوزه کتاب‌های آموزشی معطوف بودن به نظام آموزشی نسبت به سایرین است و شناسایی مهارت‌ها اعم از هنر و فعالیت‌های فنی مورد تاکید نظام آموزشی نیست، یا حداقل هم‌سطح آن نیست.	شناسایی با هدف تفکیک
شناسایی انجام شده در نظام نخبگانی در کشور به منظور جداسازی است.	فقدان نظام شناسایی در بخش‌های تخصصی
نظام شناسایی تنها در حوزه آموزش (در مدارس و دانشگاه‌ها) انجام می‌شود و نظام‌های شناسایی برای افراد خبره وجود ندارد. به عبارت دیگر نظام‌های شناسایی خبرگان مانند شناسایی مهندسان خبره‌تر از سایر مهندسان یا مدیران خبره‌تر از سایر خبرگان وجود ندارد.	شناسایی همراه با برچسب‌زنی
شناسایی نخبگان و افراد در مسیر نخبگی همراه با برچسب‌زنی است. سازوکارهای شناسایی در کشور عمدتاً منجر به یک تابع صفر و یک هستند، یک فرد یا نخبه هست یا نیست. این امر نه تنها منجر به نادیده گرفته شدن افراد مرزی می‌شود، بلکه منجر به برچسب‌زنی نیز می‌شود. به‌عنوان مثال نفر ۱۰۰ کنکور مطابق آیین‌نامه احراز نخبگی کشور، استعداد برتر است، و از مزایای آن بهره‌مند است اما نفر ۱۰۱ نیست و از هیچ مزایایی نیز برخوردار نیست.	شناسایی به صورت صفر و یکی

پیامدهای بازاندیشی در مفهوم نخبگی

جدول ۴) مفاهیم مرتبط با کارکرد شناسایی

۱	تنوع در تیزهوشی و ابزارهای شناسایی آن	مطالعات در خصوص انواع هوش [۵و۴] نشان می‌دهد، مفهوم تیزهوشی به صورت عام وجود ندارد و لازم است تا تنوع هوش پذیرفته شود. به این ترتیب تنوع در تیزهوشی نیازمند ابزارها و شیوه‌های متنوع در شناسایی تیزهوشی است.
۲	تنوع در توانمندی‌ها	افزون بر تنوع در انواع تیزهوشی، توانمندی‌های افراد نیز متنوع است. مطالعات نشان‌دهنده چهار نوع از توانمندی‌ها شامل (۱) توانایی‌های فکری، (۲) خلاقیت، (۳) توانایی‌های عاطفی- اجتماعی ^۱ و (۴) توانایی‌های حسی- حرکتی ^۲ هستند [۲]. به این ترتیب نهادهای شناسایی و آموزش مناسب برای رشد نخبگی لازم است تا دربردارنده این چهار نوع از توانمندی‌ها باشند.
۳	تمایز میان تیزهوشی و استعداد درخشان	علی‌رغم وجوه مشابه میان این دو مفهوم [۲]؛ اما تفاوت‌هایی نیز دارند که ناشی از دو عامل است: (۱) عام بودن تیزهوشی، در حالی که استعداد درخشان در یک حوزه خاص معنا دارد؛ و (۲) تیزهوشی بیشتر یک ویژگی فردی است، ولی استعداد درخشان یک ویژگی مربوط به عملکرد فرد در یک حوزه خاص [۱].
۴	ناکارآمدی ابزارهای سنجش تیزهوشی	مطالعات نشان می‌دهد که نمی‌توان هیچ اولویت علمی برای سنجش هوش نسبت به سنجش پیشرفت قایل شد [۶].
۵	مولفه‌های اکتسابی (غیرذاتی) در تیزهوشی	مبتنی بر «مدل سه‌گانه» تیزهوشی به عنوان یک کیفیت پویا، (۱) هوش بالا و توانمندی‌های بالقوه، (۲) خلاقیت و (۳) انگیزه و تعهد را دربر می‌گیرد [۷]. از این میان تنها هوش قابل سنجش از طریق آزمون‌های IQ است، و عامل انگیزه و تعهد وابستگی شدید به محیط دارد.
۶	خطای شناسایی ناشی از ابزارهای شناسایی	اعتبار علمی استفاده از آزمون‌های سنجش هوش IQ به‌عنوان قضاوت نهایی برای ظرفیت کودک مورد سوال قرار گرفته است [۸].
۷	تیزهوشی به مثابه یک برساخت اجتماعی	رفتاری که در یک جامعه به آن رفتار هوشمندانه یا تیزهوشانه می‌نامند، ممکن است در جامعه‌ای دیگر نه تنها چنین تلقی را به همراه نداشته باشد، بلکه به صورت وارون نیز شناخته شود. به این ترتیب دیدگاهی که تیزهوشی را به عنوان یک کیفیت ذاتی تعریف می‌کند از لحاظ عملی آسیب‌زا است [۹]. برپایه مفهوم «رشد غیرفراگیر» ^۳ ، در شرایط محیطی خاص و با توجه به آن چه چه که در یک فرهنگ خاص «استعداد درخشان» تعریف می‌شود؛ تیزهوشی معنا می‌یابد [۱۰].
۸	تمایز میان تیزهوشی و خلاقیت	مطالعات نشان داده است که کودکان با خلاقیت بسیار بالا با استفاده از سنجش IQ قابل شناسایی نیستند [۱۱]. همچنین تعدادی از مطالعات نیز نشان می‌داد که خلاقیت دارای همبستگی با IQ نیست. بر همین اساس آزمون‌های IQ نمی‌تواند در خصوص خلاقیت کارآمد باشد. مطالعات دیگری نشان می‌دهند که دانش‌آموزانی که هم دارای IQ بالا و هم دارای خلاقیت بالایی باشند، هم در مدرسه و هم در جامعه موفق‌تر عمل می‌کنند، اما کسانی که IQ پایینی دارند، اما خلاقیت بالایی دارند، با مشکلات جدی در مدرسه روبرو می‌شوند [۱۱]. به این ترتیب تیزهوشان اتفاقاً دارای توانمندی برای موفق‌تر بودن هستند و این دانش‌آموزان خلاق هستند که علی‌رغم توانمندی‌هایشان موفقیت‌هایی تحصیلی نمی‌یابند.
۹	غیراخلاقی بودن رتبه‌بندی افراد بر اساس توانایی	استفاده از آزمون‌های سنجش هوش به‌عنوان قضاوت نهایی برای سنجش ظرفیت افراد، از لحاظ اخلاقی چالش‌برانگیز است [۸]. چنانچه شناسایی افراد همراه با رتبه‌بندی افراد در یک هرم سلسله مراتبی باشد، دربردارنده چالش‌های زیر است: <ul style="list-style-type: none"> • ازلی و ابدی شدن نابرابری‌ها چرا که ژنتیک انسانی و ویژگی‌های ذاتی سرنوشتی جبری و محتوم را برای بشر رقم خواهند زد. • افزایش و تشدید تمایل به دستکاری ژنتیکی که با رشد دانش در اختیار بشر قرار می‌گیرد منجر به خلق «بچه‌های طراحی‌شده» و فرانسسانی می‌شود که دارای قدرت‌های هوشی و شناختی فراتر از انسان فعلی هستند. بدین ترتیب ویژگی‌های انسانی، از جمله خطا، امکان گناه و سایر مولفه‌های انسانی از بین می‌رود. • ابتناء تصمیم‌گیری و قضاوت در خصوص انسان‌ها بر دانش بشری در حال رشد و نه کامل، می‌تواند منجر به اشتباهات تاریخی شود. افزایش تبعیضات غیرمنطبق با حقوق و کرامت انسانی که بر اساس دستکاری‌های ژنتیکی؛ و به منظور دست‌یابی به نسلی از انسان‌های کامل‌تر به دست می‌آید ناشی از میل کمال‌جویی انسان اجتناب‌ناپذیر است. زیستن در دنیایی مبتنی بر تنوع ژنتیکی انسان‌ها یکی از نخستین اصول حقوق جمعی انسان‌ها است، امری که با افزایش آزمون‌های سنجش و رتبه‌بندی انسان‌ها که بر پایه تفاوت‌های ژنتیکی باشد؛ پایمال می‌شود [۱۲]. از بین رفتن تنوع زیستی انسان‌ها که بر اساس آن تنوع جوامع و فرهنگ‌ها نیز شکل می‌گیرد؛ فاجعه‌بار خواهد بود.
۱۰	امکان‌ناپذیری شناسایی انواع هوش	نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر مبتنی بر نتیجه آزمون‌های کتبی یا دیدگاه واحد درباره هوش نیست. بر اساس این نظریه، دست کم هشت هوش مستقل وجود دارد که در انواع انسان‌ها تکوین می‌یابد؛ و در فرهنگ‌های مختلف دارای ارزش است [۵]. تنها سه مورد از این هشت هوش توسط آزمون‌های استاندارد هوش قابل اندازه‌گیری است، اما پنج مورد دیگر با این آزمون‌ها قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد [۱۳].

1- Socioaffective
 2- Sensorimotor
 3- Non-Universal Development

۲-۴ کارکرد جذب

نظام جذب است. در وضعیت فعلی می‌توان اصلی‌ترین

گزاره‌های جذب را شامل موارد ذکر شده در جدول ۵ دانست.

مطالعه پیشینه مطالعات در حوزه جذب در بردارنده آموزه‌های مندرج در جدول ۶ خواهد بود.

جذب شامل فرآیندی است که نخبگان شناسایی شده با اهداف مختلف در نظام‌های مختلف در جامعه پذیرفته می‌شوند. شاید در ساده‌ترین طبقه‌بندی بتوان جذب در نظام آموزشی را از سایر جذب‌ها منفک کرد؛ چرا که اصلی‌ترین

جدول ۵) مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مفهومی در وضعیت فعلی کشور در کارکرد جذب

ارزش محور بودن نخبگی	به این معنا که فرد جذب شده از برابری با سایر افراد فعال در آن نظام برخوردار نیست. نمونه‌های متعدد قوانین کشور فرآیند جذب را برای نخبگان ساده‌تر می‌کند و سپس فرد جذب شده از حقوق و مزایای بالاتری از سایر همکاران خود برخوردار است.
جداسازی و تفکیک	شکل‌گیری مدارس استعدادهای درخشان در کشور را می‌توان نمونه بارزی از این سیاست در جذب دانش‌آموزان تیزهوش و استعداد درخشان در نظام آموزشی دانست.
تاکید بر استعدادهای درخشان سهمیه‌ای	در این سیاست سهمیه‌های مشخصی برای تشخیص نخبگی قرار داده شده است. این سهمیه پویا نبوده، به عنوان مثال میان سال‌های مختلف تفاوتی برقرار نیست؛ و سهمیه‌ها با آزمون‌هایی که اعتبار علمی لازم را برخوردار نیستند؛ تعیین می‌شوند. تمامی شرایط احراز غیرخوداظهارانه بنیاد ملی نخبگان از جنس سهمیه‌ای است.
بنا نشدن سازوکارهای انگیزشی بر فعالیت	نه تنها فرآیند شناسایی نخبگان مبتنی بر فعالیت نخبگانی نیست، بلکه نظام‌های انگیزشی نیز بر پایه فعالیت بنیان نهاده نشده است.
فقدان تنوع رقابتی	فرآیندها و سازوکارها موجود در کشور کاملاً دارای سوگیری بر برخی از حوزه‌های خاص مانند حوزه آموزش، و نه حتی پژوهش، دارند. به این ترتیب سازوکارهای جذب نخبگان در سایر حوزه‌های هنری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... نادیده انگاشته شده است.
ابتناء نخبگان بر پایگاه اجتماعی	رشد دوره‌های آموزش و آمادگی برای مدارس تیزهوشان، کنکور و المپیادها در کشور از یک سو و نتیجه مطالعات که نشان‌گر تاثیرگذاری این دوره‌ها بر انتخاب سهمیه‌ای است، از سوی دیگر، منتج به آن می‌شود که افراد متعلق به پایگاه‌های اجتماعی برخوردارتر شانس بیشتری در کسب سهمیه‌ها داشته باشند. تعداد محدودی از سازوکارهای جبرانی در نظام آموزشی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها نظام سهمیه برای مناطق مختلف در کنکور سراسری دانشگاه‌ها است.

جدول ۶) مفاهیم مرتبط با کارکرد جذب

۱	ارزش‌زدایی از تیزهوشی	«درک غیرنخبه‌گرایانه از تیزهوشی» [۱۴] بیان می‌کند که «این ادراک عمومی که در آن تیزهوشی یک ارزش است؛ فاقد اعتبار است»؛ که نیازمند تغییر به ادراک جدیدی دارد که در آن «تیزهوشی جز یک نام‌گذاری اجتماعی برای یک کیفیت خاص رفتاری»، بیشتر نیست.
۲	پرهیز از استعدادهای درخشان سهمیه‌ای	آن دسته از افرادی که به دلیل محدودیت‌های بازار، در داخل یک سهمیه قرار گیرد (مانند قبولی در یک دانشگاه خاص) و به واسطه آن استعدادهای درخشان نامیده می‌شوند، با نام استعداد درخشان سهمیه‌ای نامیده می‌شوند [۱۵]. به این ترتیب این سهمیه‌ها ممکن است در طول زمان و مکان تغییر کنند. بر همین اساس است که کارکرد جذب از اهداف اصلی خود فاصله می‌گیرد.
۳	عدم جداسازی و تفکیک	جداسازی افراد تیزهوش برای تعالیم خاص و دسترسی نابرابر آن‌ها به مزیت‌ها دوام دهنده (ابدی‌سازی) نابرابری اجتماعی موجود است و منجر به شکل‌گیری نخبگان اجتماعی جدیدی می‌شود، که اصول دموکراتیک در خصوص حقوق و فرصت‌های برابر و تخصیص عادلانه منابع عمومی را مورد تعرض قرار می‌دهد [۱۶]. به طور کلی سازوکارهایی که برخی کودکان را از سایرین مجزا می‌سازد، نه تنها از لحاظ علمی غیرقابل توجیه، بلکه آسیب‌زا است [۹].
۴	نظام پاداش و انگیزشی مبتنی بر فعالیت	لازم است تا جامعه پاداش‌های بیشتری برای سمت‌های بلندپایه‌تر که عموماً همراه با شرایط سخت‌تر کاری هستند، قایل شود تا کسانی که این سمت‌ها را بر عهده می‌گیرند، فعالانه‌تر کار کنند. به این ترتیب جامعه برای اطمینان از به‌کارگیری افراد شایسته در سمت‌های بلندپایه، باید پاداش‌های گوناگونی مانند حیثیت، حقوق بالا و فراغت کافی را برای این افراد در نظر گیرد [۱۷]

پیامدهای بازاندیشی در مفهوم نخبگی

۵	مشروعیت پایین نظام آموزشی نخبه‌گرا در شرایط نابرابری شدید اجتماعی	زمانی که در خصوص نابرابری اجتماعی نگرانی وجود دارد، نقش آموزش و پرورش کمک به افراد و گروه‌های ضعیف است و نه نوسازی ساخت اجتماعی. به این ترتیب در این شرایط نخبه‌گرایی پذیرفتنی نیست و دسترسی همگانی به تحصیلات خصوصا تحصیلات عالی اهمیت بالاتری دارد.
۶	تنوع رقابتی مبتنی بر فرصت برابر	ضرورت دارد دانش‌آموزانی که عملکرد خوبی در یک عرصه رقابتی نداشته باشند، بتوانند فرصت شرکت و برنده شدن در دیگر عرصه‌های رقابتی را بیابند [۱۸]. نظام آموزشی همگانی با هدف «برابری فرصت‌ها» برای افراد و دانش‌آموزان مختلف شکل می‌گیرد، تا افراد بر اساس عوامل مختلف عرصه‌های رقابت مناسب برای خود را بیابند.
۷	کاهش وابستگی نخبگان به خاستگاه و پایگاه اجتماعی	افرادی که در لایه‌های بالای ساختار طبقاتی قرار دارند، با انتقال دانش یا ایده‌های نخبگانی خود به فرزندان، موقعیت برتر خود را حفظ می‌کنند. بر این اساس، کودکان متعلق به سلسله مراتب بالاتر طبقاتی، با موضوعاتی که توسط نخبگان دارای ارزش شناخته می‌شود؛ آشنا هستند. به این ترتیب، رابطه مستقیمی بین پس‌زمینه خانوادگی (خاستگاه و پایگاه اجتماعی) و سرمایه فرهنگی، از یک سو و رابطه مستقیمی بین سرمایه فرهنگی و پاداش‌های تحصیلی، از سوی دیگر، وجود دارد [۱۸]. در نتیجه لازم است تا این واقعیت مورد توجه قرار گیرد که پایگاه‌های نخبگانی نباید تنها توسط اعضای یک طبقه خاص اشغال شود. بلکه بر اساس کارکرد هر موقعیت، نامزدهای ورود به اجتماع نخبگانی باید از لایه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی انتخاب شوند. این ملاحظات در نظام‌های نخبگانی قابل توجه است که، اولاً نخبگان وابسته به گروه‌های مسلط تنها از طریق سخت‌کوشی و تلاش بتوانند جایگاه خود را به دست بیاورند یا حفظ نمایند و ثانیاً، باید درها برای نامزدهای پایگاه‌های نخبگانی از طبقات و لایه‌های پایین‌تر جامعه باز شود [۱۹].
۸	زیرساخت‌های جذب	مهاجرت نخبگان میان کشورهای مختلف پیش‌ران اصلی در نظام نخبگانی بوده است. آمار نشان‌دهنده آن است که بیش از ۹۳ درصد از نخبگان مهاجر، پنج کشور امریکا، کانادا، استرالیا، فرانسه و آلمان را برای سفر خود برگزیده‌اند [۲۰]. کسانی که با دانش سروکار دارند، اغلب مایلند در جایی باشند که منابع کافی برای انجام تحقیق برای توسعه تکنولوژی و محصولات جدید فراهم باشد. به طریق مشابه، نویسندگان و نقاشان اغلب جذب شهرهایی می‌شوند که دارای زندگی سرزنده و پویایی هستند [۲۱]. بخش عمده‌ای از نهادهای جذب الزاماً مربوط به توانمندی‌های مالی و زیرساخت‌های فیزیکی نیست، آنچه باعث جذب نخبگان می‌شود، نه الزاماً دانشگاه‌های بزرگ با زیرساخت‌های فناورانه، بلکه اصلی‌ترین دلیل آن از ۱) تحمل‌پذیری برای آزادی بیان و نهادهای آزاد؛ و ۲) محیط‌های روشنفکری که در نازل‌ترین سطح شامل کتاب‌فروشی‌ها، کافه‌ها و مسیرهای دوچرخه‌سواری می‌شود [۲۲].

۳-۴ کارکرد هدایت

ایجاد تطابق میان تقاضای جامعه و توانمندی‌های نخبگان می‌شود. وضعیت هدایت در نظام نخبگانی کشور را می‌توان در قالب گزاره‌های جدول ۷ بیان کرد. اصلی‌ترین جنبه‌های توصیه‌ای از مطالعات انجام گرفته نیز متمرکز بر موارد ذکر شده در جدول ۸ می‌باشد.

هدایت بر دو فرآیند اصلی متمرکز است، که عبارتند از: ۱) تعلیم و آموزش نخبگان و ۲) تزکیه و پرورش نخبگان ایجاد تناسب با معیارهای اجتماعی جامعه مرجع، ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و اسلامی. نتیجه این دو فرآیند منجر به

جدول ۷) مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مفهومی در وضعیت فعلی کشور در کارکرد هدایت

نظام نخبگانی کشور هدایت را تنها بعد از جذب مد نظر قرار داده است. نظام‌های آموزشی و پرورشی تنها پس از شناسایی و انتخاب نخبگان سهمیه‌ای به هدایت آنان می‌پردازد.	عدم تمرکز بر پرورش نخبگان و تمرکز صرف بر هدایت نخبگان شناسایی شده
آموزش تیزهوشان در وضعیت فعلی اغلب بر زودرسی و آموزش پیش‌هنگام استوار است. عدم توجه به سایر وجوه آموزش تیزهوشان در وضعیت فعلی کاملاً مشهود است.	عدم تناسب میان آموزش و نیاز تیزهوشان و استعدادهای درخشان
تمرکز بالاتر بر آموزش توجه به پرورش را کاهش داده است. اصولاً جنبه‌های پرورشی نیز به صورت خاص متمرکز بر ارزش‌های عام مذهبی است، و اصولاً تفاوتی با سایر دانش‌آموزان ندارد، به همین دلیل تمرکز خاص بر جنبه‌هایی مانند ارتقاء تعهد وظیفه‌ای، بینش، فعالیت‌های گروهی و مواجهه با مشکلات که از اصول پرورش این نوع از دانش‌آموزان است نادیده گرفته می‌شوند.	عدم توجه به پرورش مورد نیاز تیزهوشان و استعدادهای درخشان

جدول ۸) مفاهیم مرتبط با کارکرد هدایت

۱	تقدم پرورش تیزهوشان و استعداد‌های درخشان بر بهره‌برداری و شناسایی آن	در یک نظام نخبگانی مناسب تیزهوشی به‌عنوان یک محصول آماده بهره‌برداری یا میوه منتظر چیدن نگاه نمی‌شود؛ و پرسش اصلی آن نیست که «چگونه می‌توان تیزهوشان را شناسایی کرد؟»، بلکه پرسش اصلی آن است که «چگونه می‌توان تیزهوشان را پرورش داد؟». به این ترتیب پرسش پیرامون پرورش و رشد میوه‌های جدید (استعاره باغبانی)، جایگزین پرسش پیرامون بهره‌برداری از میوه‌های موجود (استعاره میوه‌چینی) می‌شود.
۲	همبستگی میان هوشمندی و موفقیت در زندگی	ضرورت هدایت تیزهوشان و استعداد‌های درخشان ناشی از این واقعیت است که «هوش تا حدی، و نه الزاماً همواره، یک کیفیت پایدار کلی است، که در عمل تاثیر فراگیری بر موفقیت یک فرد در زندگی دارد» [۱۶]. مدل‌های پربرسازی آموزش افراد تیزهوش بیش از روش‌های آموزش سریع برای تیزهوشان و استعداد‌های درخشان مناسب است [۲۳]. سه نوع آموزش پربرسازی که می‌تواند به کودکان تیزهوش کمک کند، عبارتند از [۲۴]: ۱) فعالیت‌های اکتشافی عام، با هدف تحریک علائق جدید؛ ۲) فعالیت‌های پرورش گروهی، که شامل رشد تفکر خلاقانه و انتقادی و مهارت‌های یادگیری «چگونه یاد گرفتن» می‌شود؛ و ۳) پژوهش‌های فردی یا در گروه‌های کوچک در خصوص مشکلات واقعی، که باعث رشد یافتن مهارت‌های پژوهشی و خلاقانه می‌شود.
۳	آموزش تعهد و وظیفه‌ای و خلاقیت	تعهد و وظیفه‌ای و خلاقیت، به عنوان دو حلقه دیگر «مدل سه‌گانه» تیزهوشی، الزام‌آور این امر است که آموزش باید این دو ویژگی را در کودکان ایجاد و تسهیل نماید [۱۶].
۴	توسعه نخبگی به جای نخبگان	تغییر پارادایمیک از سمت تمرکز بر فرد تیزهوش و نخبگان، به سمت پدیده تیزهوشی و نخبگی، در مطالعات روانشناختی منجر به شکل‌گیری پارادایم توسعه‌گرایانه بوده است. در این تغییر جهت‌گیری تیزهوش و نخبه اهمیت سابق را ندارد، بلکه تیزهوشی و نخبگی به عنوان یک پدیده و به همراه تمامی ویژگی‌های مربوط به این پدیده از جمله چگونگی تحقق آن، یا ویژگی‌های آن، یا کارکرد آن اهمیتی به مراتب بالاتر می‌یابند [۱۶]. به عبارت دیگر پرسش اصلی آن نیست که «چه کسی نخبه است؟» بلکه پرسش‌های اصلی آن است که «نخبگی و فعالیت نخبگانی مبتنی بر آن چیست؟»، «نخبگی چگونه بروز می‌یابد؟» و ...
۵	آموزش‌های مربوط به تیزهوشان	در خصوص انواع مختلف دانش که می‌توان به دانش‌آموزان تیزهوش آموزش داد، مطالعات مختلفی انجام شده است [۷].
۶	هدایت در جهت فعالیت‌های دارای ارزش نمادین	فردی توسط جامعه تیزهوش دانسته می‌شود، که دارای عملکرد برتر در زمینه‌ای باشد که توسط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ارزشمند دانسته شود. به همین دلیل است که فقدان هدایت به این ترتیب نه تنها پذیرش فرد توسط جامعه به عنوان نیروی ارزش را از بین می‌برد؛ بلکه منجر به شکل‌گیری گروه‌های ضدجامعه با اثربخشی بالا خواهد بود.
۷	توسعه حکمت یا پیش افراد	حکمت شامل پیدا کردن تعادل بین جنبه‌های تحلیلی، عملی و خلاقانه هوشمندی می‌شود. این تعادل به فرد امکان می‌دهد تا ایده‌ها و محصولات بدیعی خلق کند. حکمت ایجاد تعادل بین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت درون فردی، میان فردی و فرا فردی است. این تعادل واسطه‌ای برای هوش و خلاقیت به منظور رسیدن به خیر همگانی می‌شود. از آن‌جایی که هوش، خلاقیت و حکمت سه جنبه تیزهوشی هستند. لازم است تا این جنبه که اکتسابی‌تر است تقویت شود [۱۳].
۸	هدایت شامل هر سه مورد افزایش انگیزه، ارتقاء دانش و توانمندی ادراک فردی	ویژگی افراد تیزهوش برخورداری از سطح بالای موارد زیر است [۲۵]: ۱) خلاقیت، ۲) دانش یا اطلاعات، ۳) انگیزه، ۴) خود پنداره ۲ و ۵) هوش عمومی. در میان موارد فوق به غیر از مورد ۱ و ۵، سایر موارد لازم است تا در بخش هدایت مورد توجه قرار گیرد.
۹	کسب استقامت برای مواجهه با مشکلات	مطالعات نشان می‌دهد یکی از ویژگی‌های مورد نیاز افراد استعداد درخشان برخورداری از استقامت کافی برای غلبه بر موانعی است که به طور اجتناب‌ناپذیری در سر راهشان قرار می‌گیرد [۲۶]. در مرحله هدایت لازم است تا استقامت لازم به آنان داده شود.
۱۰	آموزش‌های تجربه‌محور	بسیاری از افراد بالغ بسیار تیزهوش در دوران کودکی خود تجربه‌ای داشته‌اند که در اصل شکل‌دهنده مسیر زندگی ایشان بوده است. این مفهوم از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد، تصورات سنتی از آموزش مانند شتاب دادن آموزش و پربرسازی مطالب، به عنوان اصلی‌ترین روش‌های آموزش تیزهوشان، لزوماً این تجربه متبلورکننده را فراهم نمی‌آورد. این دیدگاه بیان می‌دارد که اهمیت فراهم کردن طیف متنوعی از تجربیات مهیج برای دانش‌آموزان تیزهوش و کمک به ایشان برای داشتن تجربیات متبلورکننده، چیزی است که ایشان را در مسیر رسیدن به موفقیت‌های بالقوه بزرگ قرار می‌دهد [۲۷].
۱۱	بالفعل‌سازی توانمندی‌های بالقوه	تیزهوشی یک توانمندی عام نیست. تا زمانی که توانمندی‌ها در یک یا چند حوزه خاص تجلی پیدا نکنند، کماکان یک پتانسیل تحقق نیافته است. تیزهوشی چند بعدی است و تحت تاثیر عوامل ژنتیک و عوامل محیطی قرار دارد که هر دو باید در برنامه تحصیلی مدارس مدنظر قرار گیرند [۲۸].
۱۲	نظام نخبگانی به‌عنوان بخشی از صنعت و اقتصاد	موقعیت‌های شغلی نیازمند مهارت‌های خاص خود است. این موقعیت‌ها باید توسط کسانی اشغال شود که هم دارای توانایی‌های ذاتی باشند و هم آموزش‌هایی را که برای اجرای آن نقش شغلی لازم است فرا گرفته باشند [۲۹]. پذیرش این واقعیت که توانایی مورد نیاز برای اشغال سمت‌ها، یا انگیزه لازم برای به دست آوردن آموزش لازم برای آنها، به شکل برابری در بین افراد جامعه توزیع نشده است. کارکرد نظام نخبگانی را ایجاد شرایط برای هماهنگی و هم‌راستایی میان توانایی‌های ذاتی بالا با آموزش‌های پربارتر مورد نیاز می‌کند.

۴-۴ کارکرد به کارگیری

پیشینه مطالعات در این حوزه عمدتاً در خصوص حوزه‌های خاص است و تعمیم‌پذیری آن را با مشکل مواجه می‌سازد. به همین دلیل است که پیشینه مطالعات بررسی شده در این حوزه به صورت ناکاملی در مقایسه با سایر حوزه‌ها است. مهم‌ترین نتایج برآمده از این مطالعات در گزاره‌های جدول ۱۰ خلاصه شده است.

به کارگیری به عنوان هدف غایی یک نظام نخبگانی نگریسته می‌شود، در حالی که این کارکرد گرچه دارای اهمیت است، اما از آنجا که هر فعالیت نخبگان تولیدکننده ایده‌ها و افزایش توانمندی آنان است، به کارگیری در اصل، ارتقاء توانمندی‌ها را نیز به همراه دارد. نظام نخبگانی کشور در وضعیت فعلی از آسیب‌هایی رنج می‌برد که در جدول ۹ بیان شده‌اند.

جدول ۹) مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مفهومی در وضعیت فعلی کشور در کارکرد به کارگیری

فقدان توجه به نهادهای علمی یا نهادهای مرتبط	نهادهای متنوع مانند انجمن‌های علمی گرچه به صورت کپی‌برداری در کشور مورد تقلید واقع شده، اما نتوانسته است کارکرد خود را به خصوص در نظام نخبگانی داشته باشد. نهادهای مرتبط با علم که گاه تناسب آن‌ها در نگاه نخستین باعث تعجب می‌شود نیز در این میان حائز اهمیت است. کافه‌ها یکی از همین نهادهای مرتبط با حوزه علم است که نادیده گرفته می‌شوند.
فقدان سازوکارهای جذب دایمی نخبگان و ایجاد ارزش‌های نمادین	نخبگان سهمیه‌ای که در ایران رویکرد غالب است، تنها در زمان‌های خاص و عمدتاً در دوران جوانی می‌توانند شناسانده و جذب‌کننده نخبگان باشند. این سازوکارها در دوران میان‌سالی و کهن‌سالی عمدتاً دارای اعتبار بالایی در سطح جامعه نیستند. به عنوان نمونه همچنان در رزومه‌های علمی دانشگاه محل تحصیل و رتبه کنکور به عنوان معیار دارای ارزش نمادین بالاتر نسبت به سایر فعالیت‌های فرد شناخته می‌شوند.
عدم توجه به کارکردهای اجتماعی نخبگان	نخبگان دارای کارکردهای اجتماعی فراوانی هستند که این کارکردها نیازمند سازوکار و نهادهای تسهیل‌گر از یک سو و توانمندی عرضه از سوی نخبگان، از سوی دیگر هستند. کارمردهای اجتماعی نخبگان حوزه عمومی، تا اندازه‌ای، و نخبگان حوزه‌های تخصصی، به شدت، در نظام نخبگانی کشور فراموش شده است.

جدول ۱۰) مفاهیم مرتبط با کارکرد به کارگیری

۱	به اشتراک‌گذاری نتیجه با دیگر اعضای جامعه	مطالعات نشان می‌دهد؛ برای نخبگان به‌اشتراک‌گاری نتایج فعالیت‌هایشان با دیگران افراد جامعه تخصصی خودشان به طریق پرمعنا و ارزشمندی اهمیت دارد [۲۶]. به این ترتیب ایجاد زیرساخت‌های به‌اشتراک‌گذاری و ایجاد ارتباطات میان اجتماعات نخبگانی یکی از الزامات رشد فعالیت‌های نخبگانی در جامعه است.
۲	درهای اجتماع نخبگان بسته نیست	نخبگی نمی‌تواند صرفاً وابسته به گذشته افراد باشد. آنچه که با نام استعداد درخشان سهمیه‌ای شناخته می‌شود [۱۵] اشاره به این واقعیت دارد که در بعضی شرایط کسانی که بتوانند یک سهمیه ویژه را کسب نمایند به عنوان استعداد درخشان شناخته می‌شوند (مانند رتبه‌های برتر کنکور سراسری یا دارندگان مدال‌های المپیک). پیامد این نگاه به نخبگی آن خواهد بود که درهای اجتماع نخبگی به روی افراد بسته می‌شود. در حالی که مطالعات نشان می‌دهند، باز بودن درهای ورود به اجتماع نخبگی لازم است همواره باز باشند. عمده‌ترین دلایل قابل ذکر در این خصوص عبارتند از: ۱) تعداد بالایی از افرادی که به عنوان نخبگان جهانی (مانند برندگان جوایز نوبل) شناخته می‌شوند، عمدتاً در این سهمیه‌ها جایی نداشته‌اند. ۲) شرط موفقیت در این آزمون‌ها هوش بالا است و نه خلاقیت و به همین دلیل افرادی که خلاقیت بالا و هوش پایین دارند؛ با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند [۱۱]. ۳) افراد به صورت پایدار تیزهوش شناخته نمی‌شوند؛ بلکه تا آن میزان تیزهوش دانسته می‌شوند که در دوران مختلف زندگی یا فعالیتشان برچسب می‌خورند [۳۰]. ۴) استعداد درخشان نمی‌تواند به جز در بستر انتظارات فرهنگی کاملاً مشخص مشاهده شود. استعداد درخشان یک ویژگی با ثبات نیست، چرا که ظرفیت افراد برای انجام فعالیت در طول دوره زندگی تغییر می‌کند در عین حال که انتظارات فرهنگی نیز در حال تغییر است [۳۰].
۳	کارکرد نظام نخبگانی به عنوان پیش‌نیاز شایسته‌سالاری	نظام آموزشی می‌کوشد ابزاری عقلایی را برای انتخاب مناسب‌ترین افراد فراهم آورد تا توانمندترین و بانگیزه‌ترین افراد را در بالاترین جایگاه‌های منزلتی قرار دهد [۱۸]. به این ترتیب نظام نخبگانی شامل دوره‌های آموزشی مربوط به تیزهوشان و استعدادهای درخشان نقشی اساسی را در شایسته‌سالاری ایفا می‌کند.
۴	جایگزینی عملکرد به جای وراثت	لازم است تا دسترسی به جایگاه نخبگانی برای هرکس امکان‌پذیر باشد، هرچند این جایگاه‌ها تنها بر اساس معیارهای عملکردی اشغال می‌شوند. در واقع جایگزین شدن عملکرد به جای وراثت، قانون کلیدی به کارگیری نخبگان شده است [۱۹]. به این ترتیب از میان ۱) ویژگی‌های بدو تولد و ۲) عملکرد و شایستگی، مورد دوم در جوامع مدرن صنعتی بیشتر و بیشتر در حال غلبه پیدا کردن است [۳۱].

<p>۵</p> <p>اهمیت نخبگان حوزه‌ای</p>	<p>در دنیای جدید نخبگان عامی که در جامعه به صورت عام نخبه باشند؛ واقعیت خارجی ندارند. در جوامع مدرن دیگر یک هرم سلسله‌مراتبی که در راس آن یک نخبه یگانه وجود دارد، جای خود را به هرم‌های موازی متعدد و بنابراین به نخبگان متعدد داده است [۳۱]. در هر حوزه‌ای یک هرم خاص از عملکردهای افراد (از نخبه تا توده) وجود دارد. در هر یک از هرم‌ها نخبگان آن حوزه خاص با نام «نخبگان راهبردی» شناخته می‌شوند. یکی از ویژگی‌های هرم‌های متعدد نخبگانی آن است که نخبگان راهبردی در بعد سازمانی، حرفه‌ای و اخلاقی خود بیشتر مستقل هستند. به طور کلی می‌توان حداقل چهار خرده نظام در یک جامعه تصور کرد که هر یک دارای هرم سلسله‌مراتبی خود هستند: (۱) نظام اقتصادی، (۲) نظام سیاسی، (۳) نظام ارزشی و (۴) نظام اجتماعی [۱۹]. بر این اساس، هر نخبه هم باید ارائه‌کننده نظام ارزشی بخش خود و هم نظام ارزشی عام جامعه باشد.</p>
<p>۶</p> <p>به‌کارگیری نخبگان به عنوان عامل انسجام جامعه</p>	<p>بازیگران اصلی هرگونه تغییر بنیادی در یک جامعه همواره نخبگان هستند. غیر نخبگان نقشی اندک در پیشبرد وفاق و اجماع دارند یا آنکه کلاً فاقد نقش هستند. این نخبگان هستند که انسجام‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند. این واقعیت قابل مشاهده است که غیرنخبگان به ندرت در خصوص موضوعات مهم سیاسی به توافق می‌رسند. به این ترتیب، ثبات سیاسی نتیجه تصمیم‌گیری‌های مستمری هستند که توسط نخبگان گرفته می‌شوند [۱۹].</p>

۴-۵ کارکرد حمایت

حمایت به‌عنوان کارکرد نظام نخبگانی در دو بخش قابل توجه است:

- حمایت از فعالیت‌های نخبگانی: فعالیت‌های نخبگانی به دلیل ذات متهورانه، بلندمدت و بزرگ خود نیازمند حمایت‌ها پشتیبانی‌هایی فراتر از حمایت‌های عام هستند. در این میان شناسایی این نوع از فعالیت‌ها و کسانی که به آن مشغول هستند، در کارکرد شناسایی انجام شده است.

- حمایت از نخبگی و نخبگان: به واسطه مطالعات مشخص شده است که نخبگان و محیط فعالیت‌های آنان از ویژگی‌هایی برخوردارند که الزاما در محیط معمول جامعه وجود ندارد. شیوه زندگی متمایز آنان، نیازهای روحی و روانی خاص آنان و محیط زندگی مورد نیازشان تمامی از ویژگی‌های نیازمند حمایت هستند.

از منظری دیگر می‌توان حمایت‌ها را به دو دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

- حمایت‌های مادی: که عمدتاً در وضعیت فعلی نظام نخبگانی کشور متمرکز بر آن است و اصولاً معنای حمایت جز دادن آبونمان نیست.

- حمایت‌های غیرمادی: مبتنی بر توضیحات پیشین حمایت از فعالیت‌های نخبگانی، ارایه خدمات متنوع آموزشی و مشاوره‌ای و ایجاد محیط زیست متناسب با شیوه زندگی نخبگان در زمره این حمایت‌ها قرار می‌گیرند. در نظام نخبگانی فعلی کشور این نوع از حمایت‌ها فراموش شده هستند.

و در نهایت دسته‌بندی مربوط به چگونگی حمایت نیز قابل تامل است. بر این اساس می‌توان حمایت‌ها را به دو دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

- حمایت‌های مستقیم: حمایت‌هایی که برچسب‌دهنده و تفکیک‌کننده هستند به نحوی که بخشی از جامعه که توسط معیارهایی به عنوان نخبه شناسایی شده‌اند از این حمایت‌ها برخوردار می‌شوند. این نوع از حمایت‌ها دارای دیدگاه‌های تولید و توسعه ظرفیت نخبگانی کشور نیز نیستند.

- حمایت‌های غیرمستقیم: حمایت‌هایی که بیشتر زمینه‌ساز فعالیت‌های نخبگانی است؛ و از طریق نهادهای میانجی که با فعالیت‌های مرتبط هستند امکان‌پذیر است و به همین دلیل ایجاد زیرساخت نهادی مناسب نیز ضروری است.

مبتنی بر مطالعات انجام شده موارد ذکر شده در جدول ۱۱ در خصوص حمایت قابل توجه است.

جدول (۱۱) مفاهیم مرتبط با کارکرد حمایت

<p>تیزهوشی و استعداد درخشان در یک فرآیند تعاملی تکامل می‌یابد، فرآیندی که در آن از طرف جامعه فرصت‌های خاصی به فرد تیزهوش می‌دهد تا استعدادهای و توانمندی‌های خود را در یک فعالیت رشد دهد و از سوی دیگر فرد تیزهوش بر اساس توانمندی‌ها و استعدادهای خود می‌تواند از فرصت‌های رشد بهره‌گیرد [۱۶]. به این ترتیب شاید اصلی‌ترین حمایت از نخبگان فرصت‌سازی برای انجام فعالیت‌های نخبگانی است.</p>	<p>۱ چرخه تشدید شونده توانمندی و فرصت‌دهی</p>
<p>نخبگان، تیزهوشان و استعدادهای درخشان احساس تفاوت دارند [۳۲]. آنها نسبت به اینکه از دیگران متفاوت هستند، آگاهی دارند و این را نیز احساس می‌کنند، که به شکل متفاوتی با ایشان رفتار می‌شود. چنین احساساتی در عین حال که می‌تواند مثبت باشد، می‌تواند به احساس جدا گذاشته شدن و طرد شدن نیز منجر شود. بر این اساس پذیرش تفاوت‌ها و عدم اعمال یکسان‌سازی‌ها یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها در نظام‌ها نخبگانی است.</p>	<p>۲ ادراک تفاوت‌ها و پذیرش آن</p>
<p>مفهوم «سیستم‌های در حال رشد» در خصوص خلاقیت، بیان می‌کند که افراد خلاق در طول زمان فعالیتشان مجموعه‌ای از پروژه‌ها را می‌سازند، که در یک فرآیند تکاملی هر یک از دل پروژه پیشین بیرون می‌آید و قلمرو بزرگتری را شکل می‌دهند. در این فرآیند تکاملی است که به سوالات بنیادی‌تری که فرد مطرح می‌کند و به دنبال یافتن راه حلی برای آنها است، پاسخ داده می‌شود [۳۲]. به این ترتیب حمایت در یک فرآیند بلندمدت، تکاملی و دارای یک ماهیت دومینووار اثربخش خواهد بود.</p>	<p>۳ حمایت به مثابه یک فرآیند تکاملی و بلندمدت نه یک پروژه یکباره</p>
<p>اشتیاق به اندازه هوش در نخبگی تاثیرگذار است [۳۲]؛ به همین دلیل است که لازم است تا انگیزه‌بخشی به عنوان بخش عمده‌ای از سائق‌های موفقیت مورد توجه و تمرکز قرار بگیرد.</p>	<p>۴ انگیزه‌بخشی به منزله عامل حمایت</p>
<p>یکی از ویژگی‌های اصلی نخبگان آن است که آنان دارای ادراکی از ناهمخوانی و شکاف میان امر واقعی و امر ممکن هستند [۳۲]، به همین دلیل است که ادراک تفاوت میان «وضعیتی که هست» با «وضعیتی که می‌تواند باشد» و انتخاب بدیل‌های ممکن در خصوص رفع این شکاف نیازمند است.</p>	<p>۵ دیدگاه نقدگرایانه به وضع موجود</p>
<p>مطالعات متعدد نشان می‌دهد که نخبگان با وضعیت مالی نامناسب از وضعیت به شدت نابرابری در مقایسه با سایرین برخوردارند. نیاز به سازوکارهای حمایتی ویژه از آنان به دلایل زیر اهمیت دارند:</p> <ul style="list-style-type: none"> • موانع و مشکلات به عنوان مانع رشد اشتیاق برای محرومین هستند. به این ترتیب جامعه از خودشکوفایی افراد برخوردار حمایت می‌کند در حالی که جلوی رشد اشتیاق و استعداد افراد محروم را می‌گیرد یا آن را نابود می‌سازد [۳۳]. • مطالعات نشان می‌دهد که آزمون‌های روانسنجی هیچ اولویت علمی برای سنجش هوش نسبت به سنجش پیشرفت ندارند [۶]؛ به این ترتیب شناسایی‌های برآمده از آزمون‌های روانسنجی بر شناسایی توانمندی‌های اکتسابی و نه ذاتی استوار است. <p>جدا کردن افراد تیزهوش برای تعالیم خاص و دسترسی آن‌ها به مزیت‌های و شرایط خاص آموزشی، منجر به آن می‌شود که حقوق و فرصت‌های برابر و تخصیص عادلانه منابع عمومی را مورد تعرض قرار می‌دهد [۱۶].</p>	<p>۶ حمایت ویژه از نخبگان با توانمندی مالی پایین</p>
<p>افرادی که در لایه‌های بالای ساختار طبقاتی قرار دارند، با انتقال دانش یا ایده‌های نخبگانی خود به فرزندان، موقعیت برتر خود را حفظ می‌کنند. بنابراین، سرمایه فرهنگی گونه دیگری از ثروت موروثی است. لذا بر اساس این نظریه، رابطه مستقیمی بین پس‌زمینه خانوادگی و سرمایه فرهنگی و رابطه مستقیمی بین سرمایه فرهنگی و پاداش‌های تحصیلی وجود دارد که در نتیجه آن پس‌زمینه خانوادگی از طریق سرمایه فرهنگی بر پاداش‌های تحصیلی اثر می‌گذارد [۱۸]. در نتیجه، طبقه برخوردار موفقیت‌های تحصیلی بیشتری را نسبت به کسانی که با فرهنگ مسلط فاصله بیشتری دارند، کسب خواهند کرد [۳۴]. لازم است تا نظام نخبگانی به منظور جبران نابرابری‌های فرهنگی، بتواند زمینه‌ساز تولید فرهنگ نوین باشد. این امر از طریق توسعه فرهنگ نقادانه از یک سو و حمایت از گروه‌های کم‌برخوردارتر از سوی دیگر امکان‌پذیر است.</p>	<p>۷ حمایت از نابرخورداران سرمایه فرهنگی</p>
<p>اجتماع نخبگانی به مانند سایر اعضای جامعه در یک بافت اجتماعی، اقتصادی و حقوقی نیازمند بافت مناسب برای فعالیت است. حق مالکیت یکی از اصلی‌ترین نیازمندی‌های بشری است. بر این اساس مالکیت فکری حقی اساسی برای فعالان حوزه نخبگانی است. به عنوان نمونه مطالعات انجام شده در خصوص حقوق مالکیت فکری (به عنوان ابزار ایجادکننده فرصت) نشان‌دهنده آن است که بهبود شرایط حمایت از این حقوق منجر به حمایت از اجتماع نخبگانی و به دنبال آن کاهش میزان مهاجرت‌ها است [۳۵].</p>	<p>۸ توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی حمایت از دستاوردها</p>
<p>نظام نخبگانی و جامعه باید تضمین‌کننده رشد تعداد و ابعاد گروه‌های نخبگانی است. نتیجه این امر چنین است که، اولاً این گروه‌ها کمتر انحصاری می‌شوند و دوم آنکه «کارایی» به تدریج جایگاه مسلط پیدا کرده و بیشتر و بیشتر به تنها ملاک انتخاب تبدیل خواهد شد [۳۶].</p>	<p>۹ توسعه نخبگی</p>

به عبارت دیگر، از یک سو نظام نخبگانی، اعم از رسانه‌ها، حاکمیت و نهادهای عمومی و غیردولتی، تمایل دارد تا به گونه‌ای ارزش محور جنبه‌هایی از اجتماع نخبگانی را پررنگ‌تر از سایر جنبه‌ها بسازد؛ این پررنگ‌سازی احتمالا می‌تواند نسل‌های بعدی این اجتماع را متناسب‌تر با آن ارزش‌ها بسازد. به عنوان مثال بیشترین وجهی که همواره در زندگی افرادی مانند استیو جابز یا بیل گیتز به عنوان پیش‌گامان حوزه فناوری اطلاعات بوده است، عدم تحصیل در دانشگاه و انصراف از تحصیلات دانشگاهی بوده است. این ترسیم از الگوها می‌تواند نسلی جدیدتر مانند زاکربرگ (موسس فیس‌بوک) را معرفی کند.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که الگوسازی به عنوان یک کارکرد دارای جنبه‌های متنوعی است که شاید در حوزه‌ی به مراتب گسترده‌تر از مطالعات نخبگانی انجام شده است و به همین دلیل نیاز به مطالعات بیشتری دارد. مهم‌ترین مواردی که در این خصوص از مطالعات قابل‌ارایه است، در جدول ۱۲ آورده شده است.

جدول ۱۲ مفاهیم مرتبط با کارکرد الگوسازی

۱	نخبگان عامل شکل‌دهی به جامعه و تمدن	توده بی‌شکل و فاقد هویت است و آنچه در عمل باعث می‌شود تا جامعه از دل توده شکل بگیرد، نخبگان هستند. تمدن‌ها تنها در نتیجه تلاش گروه اقلیتی از سرآمدان هوشمند (نخبگان) قابل تصور است. اصولا توده‌ها ناخودآگاه به دنبال رهبر می‌گردند و بدون رهبر قادر به انجام کاری نیستند؛ نخبگان این نقش رهبری را ایفا می‌کنند [۳۷].
۲	عدم تعرض به اصول مردم‌سالارانه	عمدتا وجود یک سازمان قوی مستلزم داشتن یک رهبری مقتدر به معنای رهبران متخصص و حرفه‌ای (نخبگان) است. این به معنای آغاز روبه زوال رفتن دموکراسی است [۱۹]. به این ترتیب نخبه‌گرایی نباید منجر به کاهش دموکراسی در سطح جامعه شود.
۳	تمایل توده‌ها به واگذاری تصمیم‌گیری‌ها	عامل مهم تاثیرگذار، عدم تمایل توده‌ها برای درگیر شدن با مشکلاتی است که سازمان (یا جامعه) با آن مواجه می‌شود [۱۹]. اصولا توده‌ها قابلیت شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری را ندارند و خواهان رهبری قدرتمند هستند [۳۸].
۴	الگوسازی از طریق تجربه‌های نوین	دموکراسی ذاتا در تضاد با نظام‌های نخبگانی نیست. بلکه منجر به پیدایش شکل جدیدی از انتخاب نخبگان و تفسیر جدیدی از نخبگان شده است. در دوران تغییرات سریع امروزی، باید گروه اقلیتی وجود داشته باشند که امکانات فرهنگی جدید را کشف کنند و برای قرار دادن در منظر دیگران، به تجربه آن‌ها در زندگی بپردازند. بر این اساس، آن‌ها نوع جدیدی از تجربیات را خواهند داشت که ممکن است بعد از آن‌ها به یک الگوی عمومی تبدیل شود. این گروه اقلیت با نام نخبگان شناخته می‌شوند [۳۶].
۵	الگو بودن نخبگان به صورت ذاتی	بر اساس دیدگاه درایتزل اجتماع نخبگان شامل کسانی می‌شود که به واسطه منزلتشان، در جایگاهی قرار گرفته‌اند تا نقشی شایان تقلید را که کارکردی هنجاری در تعیین رفتار دیگر افراد دارد، ایفا نمایند [۱۹].

جامعه است. به همین دلیل افزایش نگهداشت آنان به شرط به‌کارگیری بهینه؛ می‌تواند از جمله مطلوب‌های یک نظام نخبگانی باشد. نگهداشت نخبگان در مطالعات بیشتر به معنای

۴-۸ کارکرد نگهداشت

نگهداشت نخبگان به منظور تداوم بخشی به اثربخشی و تاثیرگذاری نخبگان - به عنوان سرمایه‌های یک جامعه - در

می‌دهد که نخبگان از دیگر گروه‌های جمعیتی از چند جهت متمایز می‌شوند [۴۰]: (۱) سبک زندگی مشابه، (۲) مسیر شغلی و تحصیلاتی مشابه، (۳) روابط شدید با یکدیگر و (۴) آگاهی از جایگاه خاصی که دارا هستند.

۵- جمع‌بندی

نظام (سیستم) نخبگانی به عنوان نظامی از نهادهای به هم پیوسته در نظر گرفته شده است؛ که (۱) تیزهوشی و استعداد درخشان، (۲) خبرگی و تخصص و (۳) کنش‌گری و تاثیرگذاری اجتماعی؛ که منجر به توسعه جامعه و شکل‌گیری افق‌های جدید می‌شوند را رشد داده، به کار می‌گیرد و بازتولید می‌کند. در این نظام لازم است تا بر ۷ کارکرد اصلی تمرکز شود، که عبارتند از: (۱) شناسایی، (۲) جذب، (۳) هدایت، اعم بر آموزش و پرورش، (۴) به‌کارگیری، (۵) حمایت، (۶) تکریم، (۷) الگوسازی و (۸) نگهداشت. نظام نخبگانی فعلی از جهات متفاوتی نیاز به بازاندیشی دارد که به صورت خلاصه می‌توان این بازاندیشی را در ۸ گروه خلاصه نمود. در جدول ۱۳ این بازاندیشی با توجه به مفاهیم بررسی شده در بخش پیشین تشریح شده است. بر اساس این جدول در مقابل هر یک از رویکردهای اصلی در بازاندیشی، مهم‌ترین دلایل و عقلانیت‌های مربوط به هر رویکرد با ارجاع‌دهی به زیرفصل‌ها تشریح شده است. به این ترتیب هر یک از اعداد داخل جدول اشاره دارد به اصلی‌ترین بازاندیشی‌هایی که در خصوص آن مفهوم در جداول پیشین مورد اشاره قرار گرفته است.

اصلی‌ترین مشکل در رویکردهای مربوط به نظام نخبگانی، ناشی از فهم متداول از واژه نخبه است، که عمدتاً مبتنی بر تیزهوشی و نهایتاً استعداد درخشان استوار شده است و به سایر جنبه‌های نخبگی یعنی خبرگی و کنش‌گری اجتماعی توجهی نشده است. این امر منجر به شکل‌گیری کژفهمی بنیادین در نظام نخبگانی کشور شده است.

نگهداری نخبگان در کشور یا افزایش تمایل اجتماع نخبگان کشور به حضور در کشور اشاره دارد. از سوی دیگر شواهد متعددی نشان می‌دهد مهاجرت نخبگان به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن امری اجتناب‌ناپذیر شده است، لذا در عمل این دو دیدگاه در تضاد قرار گرفته‌اند. در این میان مفهوم نگهداشت نیز به شدت تغییر کرده است. نگهداشت معنای فیزیکی خود را از دست داده است. نگهداشت خبرگان در جهان امروز به معنای «نگهداشت خبرگان در چرخه تولید و خدمت به جامعه» است، فارغ از آن‌که در کدام محیط فیزیکی زندگی می‌کنند. در این مطالعه به دو موضوع مفهومی مرتبط با نخبگان که قابل تطبیق با مفهوم نگهداشت بوده است، اشاره شده است، که عبارتند از:

- نظام نخبگانی با کارکرد جابه‌جایی میان قشرهای اجتماعی: نظام نخبگانی به شرط ایجاد فرصت برابر برای تمامی اقشار جامعه می‌تواند منجر به کاهش نابرابری‌ها شود. فرآیندهای جابه‌جایی^۱ (حرکت از یک قشر اجتماعی به سمت قشر اجتماعی دیگر) که در آموزش به صورت کلی وجود دارد، امکان می‌دهد تا دانش‌آموختگان از قشر اجتماعی خود به قشر دیگری حرکت کنند. یعنی آموزش به صورت کاهش‌دهنده دائمی نابرابری^۲ رفتار می‌کند [۱۸]. آموزش نخبگانی و امکان ورود افراد از قشرهای پایین‌تر اجتماعی به این نوع از آموزش‌ها، جابه‌جایی و حرکت از قشرهای پایین‌تر به قشرهای بالاتر را به همراه خواهد داشت.
- پذیرش تمایز رفتاری و شیوه زندگی: انواع مولفه‌های شیوه زندگی از نوع ورزش مورد علاقه گرفته تا حزبی که به آن رای می‌دهند، در گروه‌های اجتماعی با یکدیگر متفاوت است. مطالعات بورديو که بر روی سه هرم سرمایه کلی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی استوار است، نشان‌دهنده تمایز میان شیوه‌های زندگی نخبگان در هر هرم سلسله‌مراتبی است [۳۹]. سایر مطالعات دیگر نیز موید این تفاوت‌ها است. به عنوان نمونه مطالعات در خصوص طبقات بالایی جوامع نشان

1- Mobility
2- Perpetuation of Inequality

جدول ۱۳) مهم‌ترین رویکردها در بازانندیشی نظام نخبگانی

ردیف	بازانندیشی‌های ضروری	تفاسی	وزن	هدایت	به‌کارگیری	حمایت	الگوسازی	نگهداشت
۱	اصل تنوع، مبتنی بر تنوع در تعریف، سطح‌بندی، و حوزه‌های نخبگی، در تمامی کارکردهای نظام نخبگانی	۱ ۲ ۸ ۹				۲		۲
۲	در نظر داشتن مولفه‌های اکتسابی در کنار مولفه‌های ذاتی در نخبگی	۵ ۹			۴			
۳	ابتناء بر نخبگی و فعالیت‌های نخبگانی به جای نخبه و ویژگی‌های آن		۴		۴			
۴	ایجاد فرصت‌های عادلانه برای انجام فعالیت‌های نخبگانی و عدم تبدیل نظام نخبگانی به یک سازوکار بازتولید نابرابری در جامعه	۴ ۶ ۷ ۱۰ ۷	۲ ۳ ۵ ۶ ۷	۲ ۴ ۱۱	۳ ۶ ۷ ۸	۱ ۶	۲	۱
۵	وسعت بخشیدن به ظرفیت‌های جامعه نخبگان از طریق رشد نخبگی در کل جامعه	۴ ۷		۱ ۵ ۶ ۷ ۸		۴ ۹		
۶	توجه به وجوه متقابل تعاملات میان نخبگان و جامعه		۱ ۴ ۵ ۷ ۸	۳ ۱۲	۱ ۵ ۶	۱ ۵	۱ ۳ ۴ ۵	
۷	هدایت، آموزش و پرورش نخبگان در محیط واقعی و طبیعی جامعه نه در محیطی جدا و منفک از آن (رویکرد «رشد باغچه‌ای» در مقابل «نگهداشت گلخانه‌ای»)	۷ ۹ ۱۰	۳ ۵	۹ ۱۰				
۸	لحاظ تداوم فعالیت‌های نخبگانی به عنوان شرط اصالت نخبگی در اجتماع نخبگانی	۳	۱ ۴		۲	۳		

توضیح: هر عدد در هر ستون جدول ۱۳ نشان‌دهنده موضوع مربوط به جدول بازانندیشی در خصوص آن کارکرد است. به عنوان مثال عدد ۱۰ در ستون شناسایی، نشان‌دهنده بازانندیشی شماره ۱۰ در بند مربوط به شناسایی است که در جدول ۴، ذیل توضیحات همان کارکرد در بند ۴-۱ مقاله آمده بود.

- [4] Sternberg, R.J., 1991, "Death, taxes and bad intelligence tests", *Intelligence*, 15, pp. 257-269.
- [5] Gardner, Howard, 1999, *Intelligence Reframed: Multiple intelligences for the 21st century*, New York: Basic Books.
- [6] Sternberg, R.J., 2000, *Handbook of intelligence*, New York: Cambridge University Press.
- [7] Renzulli, J.S., 2000, "The identification and development of giftedness as a paradigm for schoolreform", *Journal of Science Education and Technology*, 9(2), pp. 95-114.
- [8] Lippmann, W., 1922, *A Future for the Tests*, New Republic 30, pp. 9-11.

References

منابع

- [1] Kerr, B., 2009, *Encyclopedia of Giftedness, Creativity, and Talent*; SAGE Publications.
- [2] Gagne, F., 2005, "From Gifts to Talents", In: R.J. Sternberg and J.E. Davidson, *Conceptions of Giftedness*, 2nd Ed., Cambridge University Press.
- [۳] گی، روشه، ۱۳۷۸، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، نشر نی، چاپ نهم.

- motivation", *Journal of the Roeper Institute*, 8, pp. 87-104.
- [26] Haensly, P., Reynolds, CR. and Nash, W.R., 1986, "Giftedness: coalescence, context, conflict, and commitment", In: R.J. Sternberg and J.E. Davidson (Eds.), *Conceptions of giftedness*, pp. 128-148, Cambridge: Cambridge University Press.
- [27] Walters, J. and Gardner, H., 1984, "The crystallizing experience: Discovering an intellectual gift", Technical paper, supported by grants from the Social Science Research Council and the Bernard van Zee Foundation of the Hague, available from: <http://www.eric.ed.gov/PDFS/ED254544.pdf>.
- [28] VanTassel-Baska, J., 2005, "Domain-specific giftedness: Applications in school and life", In: R.J. Sternberg and J.E. Davidson (Eds.), *Conceptions of giftedness*, 2nd ed., pp. 358-377, New York: Cambridge University Press.
- [29] Collins, R., 1971, "Functional and Conflict Theories of Educational Stratification", *American Sociological Review*, 36(6), pp. 1002-1019.
- [30] Csikszentmihalyi, M. and Csikszentmihalyi, I.S., 1988, *Optimal experience: Psychological studies of flow in consciousness*, Cambridge: Cambridge University Press.
- [31] Keller, S., 1963, *Beyond the Ruling Class: Strategic Elites in modern society*, New York: Random House.
- [32] Gruber, H.E., 1999, "Evolving systems approach", In: M.A. Runco and S.R. Pritzker (Eds.), *Encyclopedia of creativity*, pp. 689-693, New York: Academic Press.
- [33] Ambrose, D., 2006, "Large-Scale Socioeconomic, Political, and Cultural Influences on Giftedness and Talent", In: Larisa V. Shavinina, *International Handbook on Giftedness*, Springer Science+Business Media.
- [34] Jenkins, R., 1992, *Key Sociologists: Pierre Bourdieu*, London; Routledge.
- [۳۵] شاه‌آبادی، ابوالفضل، سپهر دوست، حمید و جامه بزرگی، آمنه، ۱۳۹۱، "تاثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته"، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۵(۱)، صص. ۸۷-۹۸.
- [36] Mannheim, Karl, 2003, *Essays on the Sociology of Culture*, Taylor & Francis e-Library.
- [37] Le Bon, G., 1903, *The Crowd: A study of the popular mind*, New York.
- [38] Michels, R., 1999, *Political Parties: A Sociological Study of the Oligarchical Tendencies of Modern Democracy*, Transaction Publishing.
- [۳۹] پی‌یر، بوردیو، ۱۳۹۰، تمایز، ترجمه: حسن چاوشیان، نشر ثالث.
- [40] Mills, C., 2008, "Reproduction and transformation of inequalities in schooling: the transformative potential of the theoretical constructs of Bourdieu", *British Journal of Sociology of Education*, 29(1), pp. 79-89.
- [9] Borland, J.H., 2003, *Rethinking gifted education*, New York: Teachers College Press.
- [10] Feldman, D.H., 1988, "Universal to unique: toward a cultural genetic epistemology", *Archives de Psychologies*, 56, pp. 271-279.
- [11] Getzels, J.W. and Jackson, P.W., 1962, *Creativity and intelligence*, John Wiley, New York.
- [12] Munayyer, M.F., 1997, "Genetic Testing and Germ-Line Manipulation: Constructing a New Language for International Human Rights", *American University Journal of International Law and Policy*, 12(4), pp. 687-731.
- [13] Davidson, J.E., 2006, "Contemporary Models of Giftedness", In: Larisa V. Shavinina International, *Handbook on Giftedness*, Springer Science+Business Media.
- [14] Feldman, D., 1979, "Toward a none elitist conception of giftedness", *Phi Delta Kappan Magazine*, 60, pp. 660-663.
- [15] Tannenbaum, A.J., 2000, "Giftedness: The ultimate instrument for good and evil", In: K.A. Heller, F.J. Monks, R.J. Sternberg and R.F. Subotnik (Eds.), *International handbook of giftedness and talent*, pp. 447-467, Oxford, UK: Elsevier Press.
- [16] Dai, D.Y., 2006, "Essential Tensions Surrounding the Concept of Giftedness", In: Larisa V. Shavinina, *International Handbook on Giftedness*, Springer Science+Business Media.
- [۱۷] جرج، ریتزر، ۱۳۷۹، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهارم، تهران.
- [18] Dornbusch, S.M., Glasgow K.L. and Lin I.C., 1996, "THE SOCIAL STRUCTURE OF SCHOOLING", *Annual Review of Psychology*, 47, pp. 401-429.
- [19] Hartmann, M., 2007, *The Sociology of Elites*, Routledge Studies in Social and Political Thought.
- [20] Carrington, W. and Detragiache, E., 1999, "International Migration and the Brain Drain", *The Journal of Social, Political and Economic Studies*, 24, pp. 163-171.
- [21] Solimano, A., 2008, "Causes and Consequences of Talent Mobility", In: Andres Solimano, *The international mobility of talent: types, causes, and development impact*, United Nations University-World Institute for Development Economics Research (UNU-WIDER).
- [22] Schwartz, P., 2003, *Inevitable Surprises*, The Free Press, New York.
- [23] Passow, A.H. and Schiff, J.H., 1989, "Educating gifted persons who are caring and concerned", *Gifted Education International*, 6, pp. 5-7.
- [24] Renzulli, J.S. and Reis, S.M., 2003, "The School wide Enrichment Model: Developing creative and productive giftedness", In: N. Colangelo and GAD avis (Eds.), *Handbook of gifted education*, 2nd ed., pp. 184-203, Boston: Allyn & Bacon.
- [25] Feldhusen, J.F. and Hoover, S.M., 1986, "A conception of giftedness: Intelligence, self-concept and

Consequences of Rethinking in Elite Concept

Keywords: Elite System, Elite, Recognition, Attracting, Conducting, Working, Supporting, Respecting, Lifestyle Making and Maintaining.

Gholamali Montazer^{1*}, Amir Nazemi², Mohsen Mousavinasab³

- 1- Associate Professor, Faculty of Engineering, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran
- 2- Assistant Professor, Futures Studies Department, National Research Institute in Science Policy, Tehran, Iran
- 3- Top Researcher, Atinegaar Think-Tank, Tehran, Iran

Abstract

There are mechanisms and institutions in every society that are related to elite and elite people issues, and shape an elite system. Overall, elite system must include special functions such as recognition, absorbing (or attracting), conducting (more than education), working, supporting, respecting (or glorification), lifestyle making and maintaining (or keeping). Each of these functions becomes operational based on the perception of a society about the concepts of elite and elite people. In fact, this is the common perception of concepts that shapes institutions, their interrelationships, and their missions. But, the growth and development of that perception, based on studies and experiences, make rethinking about those concepts necessary.

In this article, based on a system analysis, the concepts of elite and elite people are reconsidered and rethought. The results indicate that the main problem of approaches to talent systems is caused by common perception of the concept of elite: The perception that is only based on the concepts of giftedness and talent and does not take other aspects of elite concept, such as expertise and social interactions, into consideration.

* Corresponding Author: montazer@modares.ac.ir